

## هزینه اقتصادی جنگ عراق: ارزیابی هزینه ها سه سال بعد از شروع جنگ

جوزف استیگلیتز و لیندا بیلمس

مترجم محمد رضا فرهادی پور

<http://www.Farhady.com>

سه سال قبل، زمانی که امریکا برای جنگ با عراق آماده می شد، بحث چندانی در مورد هزینه های احتمالی جنگ در عراق مطرح نبود. هنگامیکه لاری لیندسی مشاور اقتصادی رئیس جمهور اعلام کرد که احتمالاً هزینه های جنگ به ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید، کاخ سفید سریعاً واکنش نشان داد که: این رقم تخمینی به طور ناخالص بیش از اندازه برآورد شده است و پل و لوفوویتز معاون وزیر دفاع مدعی شد که عراق می تواند هزینه بازسازی کشور خود را تامین نماید. اما ظاهراً وی هم هزینه مورد نظر را کمتر از حد برآورد کرده بود و هم بار بدهی پیش روی کشور را در همان زمان. لیندسی با گفتن این جمله که "ادامه جنگ به صورت موفقیت آمیز برای اقتصاد مفید خواهد بود" برکنار شد.

بسیاری از وجوه جنگ عراق با آنچه قبل از جنگ پیش بینی می شد متفاوت بود: عملاً سلاح های ویران کننده در عراق وجود نداشت، پیوند آشکاری میان القاعده و عراق برقرار نبود و خطر قریب الوقوعی که گواه جنگ باشد نیز وجود نداشت. سوال مهم این است که آیا اکنون امریکایی ها به عنوان منجی تلقی می شوند یا نه؟ ظاهراً بر اساس شواهد موجود آنها اکنون به عنوان اشغال گر محسوب می شوند. نه تنها ثبات سیاسی در عراق تثبیت نشده بلکه منافع جنگ به شدت متفاوت از آن چیزی بوده که ادعا می شده است.

اکنون دیگر آشکار شده که لیندسی با تخمین هزینه های ناخالص به میزانی کمتر از حد واقعی شدیداً در اشتباه بوده است. کنگره امریکا آشکاراً حدود ۳۵۷ میلیارد دلار برای فعالیتهای نظامی، بازسازی، هزینه های سفارتی، بهبود امنیت در پایگاههای امریکایی و برنامه های کمک خارجی در عراق و افغانستان اختصاص داده است. اما این تنها همه ی هزینه ها تا پایان نوابر ۲۰۰۵ بوده است که شامل ۲۵۱ میلیارد دلار برای فعالیت های نظامی در عراق، ۸۲ میلیارد دلار برای افغانستان و ۲۴ میلیارد دلار برای فعالیت های مرتبط خارجی مانند بازسازی، تضمین امنیت سفارت و پایگاهها بوده است. قطعاً در شرایط فعلی این هزینه ها از طریق جنگ افزایش یافته است. از زمان فوریه ۲۰۰۳ هزینه متوسط ماهانه فعالیتها از ۴/۴ میلیارد دلار به ۱/۷ میلیارد دلار رسیده است. باید گفت هزینه فعالیت در عراق از سال گذشته تاکنون نزدیک به ۲۰ درصد افزایش یافته است (در حالیکه هزینه های افغانستان نسبت به سال گذشته ۸ درصد کمتر شده است).

هزینه های جنگ برای امریکا بسیار کمتر از حد واقعی برای امریکا برآورد شده است، در این مقاله سعی می کنیم که تا دامنه ای از برآوردها را برای آنچه تا به حال هزینه کرده اند و احتمالاً از این به بعد هزینه خواهد شد، انجام دهیم. حتی با یک رویکرد محافظه کارانه نسبت به هزینه ها نیز شگفت زده شدیم که همچنان هزینه ها بسیار زیاد می باشند. ما می توانیم با اطمینان نسبتاً بالایی بگوییم که هزینه های جنگ متجاوز از یک تریلیون دلار می باشد.

حتی تهیه نظم ناموزونی برای برآورد هزینه ها بسیار دشوار است، مشکلات استانداردی در تخصیص هزینه ها وجود دارد، هزینه های آینده مرتبط با جنگ عراق در محاسبات هزینه های جاری وارد نشده اند و تفاوت های آشکاری میان هزینه های اجتماعی جنگ و قیمت های پرداخت شده توسط دولت وجود دارد (و این تنها به طور سنتی بعداً در برآورد هزینه ها انعکاس می باید) و هزینه های کلان اقتصادی نیز مرتبط با افزایش در قیمت نفت و مخارج جنگ عراق نیز باید در محاسبات وارد شود.

برای مثال، بررسی حساب ارزش گذاری شده بیش از دو هزار سرباز امریکایی که از زمان شروع جنگ تا به حال کشته شده اند، و بیش از ۶ هزار سربازی که مجروح شده اند. نظام ممکن است زندگی را ارزش گذاری نماید و دیه و بیمه عمر برای بازماندگان را تعیین نماید. که اکنون دیه از ۱۲۲۴۰ دلار به ۱۰۰۰۰۰ دلار و بیمه عمر از ۲۵۰۰۰۰ به ۵۰۰۰۰۰ دلار افزایش یافته است. اما در زمینه های دیگری مانند امنیت و مقررات محیطی

دولت زندگی یک فرزند پسر را حدود ۶ میلیون دلار ارزش گذاری کرده است بنابراین هزینه سربازان امریکایی که زندگی خود را از دست داده اند به حدود ۱۲ میلیارد دلار می رسد.

برآوردهای استاندارد از هزینه های جنگ عراق همچنین هزینه های مرگ نزدیک به صد نفر از پیمانکاران غیر نظامی امریکایی و چهار روزنامه نگار که در عراق کشته شده اند و همینطور هزینه سربازان کشورهای متحد با امریکا و غیرنظامیان غیر امریکایی که برای شرکت های امریکایی کار می کردند را از قلم انداخته است.

ارتش هزینه مجروحان جنگی را با هزینه های درمانی و پرداخت از کارافتادگی به آنها ارزش گذاری می کند : و حساب جاری تنها منعکس کننده پرداخت های جاری از کار افتادگی بوده و ارزش تنزیل شده فعلی پرداخت های آینده (انتظاری) آنها را در بر نداشته و ارائه نمی کند: اما تحلیل کاملی از هزینه ها هم ارزش های فعلی تنزیل شده پرداخت های آینده را در بر می گیرد و هم تفاوت از کارافتادگی پرداخت شده و آنچه را که ممکن است افراد بدست بیاورند\_ با این حال این روش از هزینه های شخصی پرداخت شده برای رهایی از درد و رنج حاصل از جنگ چشم پوشی می کند.

هزینه های استخدام سربازان جدید در ارتش به شدت افزایش یافته است. و حتی بعد از پایان جنگ دلیلی برای اعتقاد به این موضوع وجود دارد که خسارت وارده بر گارد ملی و نیروهای پشتیبانی افزایش خواهد یافت. بسیاری از نیروهای پشتیبانی بویژه افراد مسن تر، با وجود حمایت خانوارها و تثبیت شغلیشان، خطر احضار برای جنگ خارجی و همینطور توانایی دولت برای مجبور کردن آنها که ماموریت انجام وظیفه خود و حتی انجام خدمت دومین و سومین ماموریت آنها کمتر از حد برآورد می کنند. اکثریت نیروهای پشتیبانی به دلیل انجام وظیفه در عراق زیان شدیدی در دستمزدهایشان متحمل شده اند. به همین منوال دستمزدهایی که به طور رایج توسط ارتش پرداخت شده تقریباً کمتر از حد از دستمزد عادلانه بازار برآورد شده اند، یعنی آنچه لازم است تا به پرداخته شود تا آنها انجام وظیفه در عراق را بر عهده بگیرند.

حتی تعیین مخارج جاری مستقیم نیز به کار دشوار تبدیل شده است. حکومت بر اساس هزینه های جاری فعالیت ها در عراق رقمی را تهیه کرده است. ما در این مقاله علاقه مند به یافتن کل هزینه های اقتصادی یعنی ارزش منابع به کار رفته برای جنگ هستیم، روشن است که حسابداری استاندارد و نمودارهای بودجه همیشه منعکس کننده آن باشند. برای مثال، کاهش سریعتر ارزش یا تخریب وسایلی که قبلاً توسط دولت تصرف شده آشکارا بخشی از هزینه جنگ را است. شیوه استاندارد تخصیص هزینه ها در پنتاگون بخش عظیمی از منابع انسانی و اقتصادی را به جنگ اختصاص می دهد، با توجه خاص به عراق، و از این رو زمان کمتری جهت رویارویی با مسائل دیگر در دست بوده است.

البته یک هزینه گذاری درست بر یک هزینه سعودی تمرکز خواهد کرد. برای اندازه گیری هزینه جنگ، برای بازی های جنگی هزینه بر می شود، هزینه سعودی کمتر از هزینه پول واقعی است. ما در تحلیل خود پس انداز های مستقیم مانند هزینه حفظ آرامش در منطقه پرواز ممنوع را در عراق از هزینه جنگ کم کرده ایم.

### **هزینه های بودجه ای برای دولت امریکا**

هزینه های بودجه ای جنگ منعکس کننده مقیاس بزرگ فعالیت هایی است که دولت بر عهده گرفته است. تا نیمه اول سال ۲۰۰۵ بیش از ۲۰۰۰۰۰ فرد نظامی در عراق و کویت اسقرار یافته اند. تا امروز بیش از ۵۵۰۰۰۰ سرباز نظامی در عراق انجام وظیفه کرده اند که تقریباً یک میلیون ماموریت نظامی را در بر می گیرد.

هزینه های جنگ عراق که تاکنون در بخش درمان که تنها بر نوع خاصی از هزینه ها تمرکز دارد ۲۵ میلیارد دلار است که دولت به طور نقد که برای فعالیتهای جنگی از زمان تهاجم عراق در مارس ۲۰۰۳ هزینه کرده است. این یک عنصر مهم از هزینه های مالی است اما تنها یک جزء کوچک از کوه یخ می باشد.

وزارت دفاع اعلام کرده است مخارجی که به طور مستقیم به جنگ عراق تخصیص نیافته بیش از ۵ درصد رشد کرده اند، که بخشی از این مخارج برای حمایت از جنگ در عراق افزایش پیدا کرده است. شامل هزینه های بالاتر استخدام مجدد سربازان، تقریباً دو برابر تعداد سربازان، پرداخت جوایز بیش از

۴۰۰۰۰ دلار برای نام نویسی سربازان جدید و بیش از ۱۵۰۰۰۰ دلار برای نام نویسی مجدد سربازان فعلی. هزینه دیگر دولت بهره ای است که باید برای پولی که برای تامین مالی جنگ قرض گرفته است، بپردازد.

گرچه برآورد دقیق این هزینه ها بسیار دشوار است اما به منظور یک پیش بینی منطقی از هزینه های احتمالی جنگ آرایش نظامی فعلی و انتظاری سربازان را مورد استفاده قرار می دهیم. پیش بینی ما این است که با فرض اینکه امریکا عقب نشینی نیروهای خود را در سال ۲۰۰۶ آغاز نماید و حضور خود را در پنج سال بعد کاهش دهد، کل هزینه جنگ عراق در دامنه ی ۷۵۰ میلیارد دلار تا ۲/۱ تریلیون دلار قرار خواهد گرفت. ما هزینه بودجه ای را هم با بهره قرض و هم بدون آن مد نظر قرار داده ایم و این هزینه را برای عوامل اقتصادی تعدیل کرده ایم. تحت هر مجموعه از فروض قابل قبول هزینه جنگ حتی بدون بررسی هزینه های اقتصادکلان بیش از دو برابر رقم فعلی است که توسط حکومت تهیه و اعلام شده است.

هزینه بودجه ای بر طبق دو سناریو برآورد شده است که هر دو بر اساس پیش بینی آرایش نظامی سربازانی است که توسط اداره بودجه کنگره تهیه گردیده است. در سناریو محافظه کارانه ما فرض می کنیم که همه سربازان تا سال ۲۰۱۰ از عراق خارج و بهره وام های گرفته شده توسط دولت ظرف ۵ سال پرداخت خواهند شد. در این سناریو هزینه های بلند مدت پرداخت از کار افتادگی و مراقبت های درمانی را برای یک دوره بیست ساله در نظر گرفته ایم، اما بیشتر سربازان حاضر در عراق ۲۱-۲۸ ساله هستند و احتمالاً بیش از این عمر خواهند کرد. ما برای محاسبه ارزش فعلی جریانهای نقدینگی نرخ تنزیل ۴ درصد را در نظر گرفته ایم. حتی با این سناریو محافظه کارانه هزینه های مستقیم دولت برای جنگ احتمالاً متجاوز از ۷۰۰ میلیارد دلار خواهد بود.

در سناریو دوم یعنی سناریو میانه رو فرض شده است که حضور امریکا در عراق تا سال ۲۰۱۵ ادامه یابد. این سناریو همچنین فرض می کند که بودجه امریکا تا ۲۰ سال آینده دچار کسری خواهد بود. در این حالت هزینه جنگ حدود ۲/۱ تریلیون دلار خواهد بود و باید بگویم هر دو سناریو هزینه جنگ در افغانستان را مد نظر قرار داده اند.

#### میلیارد دلار

#### نمودار یک: هزینه جنگ در عراق

سناریو محافظه کارانه	سناریو میانه رو	
۲۵۱	۲۵۱	مخارج تا امروز
۲۰۰	۲۷۱	مخارج فعالیتهای آینده
۴۰	۵۷	هزینه های ذهنی و روانی
۱۴	۳۵	هزینه مجروحان مغزی
۳۷	۱۲۲	پرداخت های از کارافتادگی سربازان
۶	۸	هزینه های تجهیز مجدد
۱۰۴	۱۳۹	افزایش مخارج دفاعی
۹۸	۳۶۸	بهره وام
۷۵۰	۱.۲۶۹	کل

۱- مخارج فعالیت های جنگی و پشتیبانی تا به امروز

مخارج کل جنگ تا پایان ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵، ۲۵۱ میلیارد دلار بوده است. این رقم شامل وجوه نقدی که به صورت تخصیص بودجه تکمیلی و ضروری در آوریل-۲۰۰۲، نوامبر-۲۰۰۳، آگوست-۲۰۰۴، آوریل-۲۰۰۵ و ۶ هفته آغازین سال-۲۰۰۶ به جنگ تخصیص یافته اند. این وجه در بردارنده نقدینگی فعالیت های جنگی، آرایش نظامی و تدارکات گارد ملی و نیروهای پشتیبانی، غذا و تدارکات، آموزش نیروهای عراقی، جنگ افزارها، مهمات، پرداخت های تکمیلی جنگ، بازسازی و پرداخت های صورت گرفته به کشورهایمانند اردن، پاکستان و ترکیه می باشد. این رقم همچنین شامل پرداخت ۵۰۰۰۰۰ دلار دیه و بیمه عمر به بازماندگان سربازان کشته شده در عراق طی این دوره می باشد. اما هزینه هایی که وزارت دفاع در ماههای قبل از شروع جنگ به منظور برنامه ریزی آن انجام داده در نظر گرفته شده که کنگره این هزینه را حدود ۲.۵ میلیارد دلار برآورد کرده است.

۲- تعداد فعلی سربازان حاضر در عراق با استفاده از آمار اعلام شده توسط پنتاگون ۱۶۰۰۰۰ نفر ثابت فرض شده است. بر اساس پیش بینی کنگره تعداد این سربازان در سال ۲۰۰۶ به ۱۳۶۰۰۰ نفر کاهش می یابد. در سناریو محافظه کارانه محاسبات هزینه فرض گردید که تمامی سربازان تا سال ۲۰۱۰ عراق را ترک کنند. و این رویکرد قطعاً هزینه ها را کمتر از حد واقعی پیش بینی می نماید. در سناریو میانه رو ما فرض کرده ایم که امریکا سربازان خود را تا پایان سال ۲۰۱۵ در عراق نگه می دارد.

۳- تا پایان سال ۲۰۰۵ بیش از ۱۶۰۰۰ فرد نظامی در عراق مجروح شده اند و علی رغم وجود زره محافظ بدن به طور غیر معمول تعداد زیادی از سربازانی مجروح با جراحت های مهم مانند آسیب های مغزی و نخاعی، و قطع عضو روبرو شده اند. مطابق با آمارهای پنتاگون و سایر منابع خبری، حدود ۲۰ درصد مجروحین از ناحیه مغز یا نخاع آسیب دیده اند و ۶ درصد هم دچار قطع عضو شده اند. ۲۱ درصد هم از جراحت هایی شامل کوری، کری و نواقص بینایی و شنوایی رنج می برند که از حضور مجدد آنها در ارتش جلوگیری می کند. بیش از نیمی

از ۵۵۰۰۰۰۰ سرباز امریکایی که در عراق انجام وظیفه می کنند دو یا سه ماموریت خدمت وظیفه خود را انجام داده اند و دولت نیز از ترک خدمت حدود ۲۰۰۰۰ سرباز امریکایی نیز جلوگیری کرده است. و شاید تعجب آور نباشد که جراحان عمومی ارتش در جولای ۲۰۰۵ گزارش داده اند که ۳۰ درصد سربازان امریکایی در سه یا چهارماه اول بازگشت از عراق بار مسائل و مشکلات سلامت روانی وذهنی دست به به گریبان هستند. تا امروز بیش از یک سوم سربازان بازگشته از عراق از سیستم VA برای بیماری مزمن سلامت استفاده کرده اند.

۴- اما گروهی از مجروحین هستند که مخارج درمانی و مراقبت سلامت آنها بسیار زیاد است یعنی افرادی که از جراحات هایی در ناحیه سر یا مغز رنج می برند- تا به امروز ۳۲۱۳ نفر- نیازمند هزینه مراقبت از ۶۰۰۰۰۰ دلار تا ۵ میلیون دلار می باشند. در رویکرد محافظه کارانه ما نقطه میانی تخمین ارزش فعلی یعنی ۷/۲ میلیون دلار را با این فرض که این مجروحان بیش از ۲۰ سال زنده بمانند، که سالانه حدودا ۱۳۵۰۰۰ دلار هست و حدودا ۱۴ میلیارد دلار خواهد بود. با رویکرد میانه رو ما هزینه بالاتری و طول عمر بالاتری را نیز در نظر گرفته ایم که هزینه کل حدود ۳۵ میلیارد دلار خواهد بود.

۵- هزینه تجهیز مجدد

پنتاگون اعلام کرده است که برنامه هایی برای کاهش سربازان از ۱۶۰۰۰۰ نفر به ۱۴۰۰۰۰ نفر در سال آینده دارد. این جابجایی این نیروها و تجهیزات نیازمند ۶ تا ۱۰ میلیارد دلار هزینه خواهد بود.

## II- هزینه های جنگ برای اقتصاد امریکا: تعدیلات تخمینهای بودجه ای

روش دوم برای بررسی هزینه های جنگ رویکرد اقتصادی است. هزینه های اقتصادی به سه دلیل از هزینه های بودجه ای متفاوت می باشند: ۱- هزینه هایی که توسط دیگران ایجاد می شوند آشکارا از هزینه های بودجه ای دولت فدرال حذف می شود. ۲- قیمت های پرداخت شده توسط دولت گویای ارزش بازاری واقعی نیستند. ۳- هزینه های اقتصادی پرداخت های بهره را در بر نمی گیرد، اما اثرات بلندمدت آن بر رشد اقتصادی را در بر دارد. برای مثال در روزهای خدمت نظام وظیفه دستمزد دریافت شده توسط سربازان به شدت کمتر از هزینه های فرصت آنها برآورد شده است. هزینه های سلامت توسط سربازان ایجاد میشوند و هزینه هایی که توسط خانواده هایشان ایجاد می شود مثالی از هزینه های ایجاد شده توسط دیگران است. در این قسمت ما توجه خود را بر ظرفیت مولد جوانان امریکایی که کشته شده یا به شدت مجروح شده اند و زیان دستمزدهای غیرنظامی که توسط کسانی بدست می آیند که برای خدمت در نیروهای پشتیبانی زنده مانده اند، متمرکز کرده ایم.

برخی اقلام گنج کهنه نیز در هزینه های بودجه ای وجود دارد، برای مثال مخارج قابل ملاحظه سربازانی که به جنگ عراق نپیوسته اند. بهترین روش برای تفکر در این مورد بخشیش خسارت معوقه در حالیکه گروه بندی نادرست است، این هنوز بخشی از هزینه جنگ است. در رویکرد محافظه کارانه تعدیلات هزینه بالغ بر ۱۸۷ میلیارد دلار به هزینه بودجه ای می افزاید وبنابراین هزینه ها در این رویکرد به ۸۳۹ دلار می رسد. در رویکرد میانه رو تعدیلات اقتصادی هزینه هارا ۳۰۵ میلیارد دلار افزایش می دهند. حتی اگر هزینه بهره وام کم کنیم هزینه جنگ متجاوز از یک تریلیون دلار خواهد بود. البته این محاسبات از این حقیقت چشم پوشی کرده اند که برخی از منابع به کار رفته در جنگ می توانستند برای بهبود رشد اقتصادی مورد استفاده قرار گیرند و البته دامنه وسیعی از هزینه های کلان اقتصادی نیز وجود دارد.

### نمودار دو: تعدیلات ارقام بودجه ای برای محاسبه اقتصادی

میلیارد دلار		
سناریو محافظه کارانه	سناریو میانه	
۳	۸	مخارج تا امروز
۳	۹	هزینه اقتصادی نیروهای پشتیبانی
۲۳	۲۹	هزینه اقتصادی مرگ و میر
۳۴	۴۸	زیان به دلیل مجروحان مغزی
۳۰	۶۴	زیان به دلیل سایر جراحات های جدی
۱۸	۲۶	زیان به دلیل سایر جراحات ها
۱۲	۲۸	پرداخت های-نقص-عضو-سربازان-کمتر-کاهش-ارزش-افزایش یافته ارتش
۸۹	۱۴۹	سخت افزار
۱۸۷	۳۰۵	تعدیل خالص

نمودار ۳- هزینه های پیش بینی شده جنگ عراق بدون هزینه های کلان اقتصادی

سناریو	هزینه های بودجه ای ( بدون بهره)	هزینه های بودجه ای با بهره	هزینه ها با تعدیلا اقتصادی
محافظه کارانه	۶۵۲	۷۵۰	۸۳۹
میانه	۸۸۴	۱۲۶۹	۱۱۸۹

### III- اثرات کلان اقتصادی جنگ در عراق

همانند هزینه های جاری نتایج اقتصادی کلان جنگ در عراق حتی ممکن است چندین برابر رقمی باشد که تصور می شود. به طور کلی سه نتیجه کلان اقتصادی از جنگ آمریکا بر جای مانده است: ۱- افزایش قیمت نفت. ۲- افزایش مخارج دفاعی و نظامی. ۳- افزایش ناامنی در سطح جهان به دنبال شیوه اتخاذ شده به منظور پیگیری جنگ.

#### امنیت

بمب گذاری در مادرید و لندن تنها احساس ناامنی را تشدید کرده است. درحالیکه یکی از اهداف اصلی و بیان شده جنگ بالابردن احساس امنیت جهانی بود. اما این نکته قابل اثبات است که امروز خاورمیانه حتی بیش از پیش ناامن تر شده است. از سوی دیگر بر اساس آنچه ما امروز می دانیم عراق نه دارای سلاح های کشتار جمعی بوده و نه ظرفیت لازم برای افزایش سریع آنها را در اختیار داشته است و همینطور بر خلاف بیانات حکومت آمریکا قبل از جنگ عراق ارتباطی نیز با القاعده نداشته و محیطی هم برای آموزش شورش فراهم نکرده بوده است. متأسفانه بینظمی حاصل از جنگ زمینه لازم برای چنین آموزشهایی را فراهم کرده است.

هزینه های این ناامنی به طور بالقوه بسیار زیاد است.

- ۱- افراد ریسک گریز شده اند و بنابراین هزینه مستقیم قابل ملاحظه ای در نتیجه افزایش ریسک بوجود آمده است.
- ۲- در پاسخ به تهدیدهای امنیتی موانع جابجایی آزاد افراد، کالاها و خدمات در میان کشور افزایش یافته است. حکومت ها از فضیلت های تجارت آزاد و منافع حاصل از کاهش موانع تجاری پشتیبانی می کنند حتی زمانی که این موانع پایین بوده اند. اما امنیت گسترده مرزی ( شامل امنیت هواپیمایی، گزارش و ثبت نیازهای بیوتروریسم) که در حال افزایش است خود مانعی بر سر راه تجارت است: نه تنها هزینه های مستقیمی مرتبط با این شیوه حکومت می باشد بلکه این روش اثرات اقتصادی کلان مهمی بر جریان جابجایی نزولی کالاها و خدمات دارد. گروه خاصی از این هزینه ها مرتبط به طور معناداری جریان دانشجویان ورودی به آمریکا را بویژه در زمینه های تکنولوژی و علوم پایه کاهش داده است یعنی زمینه ای که اقتصاد آمریکا در آن به شدت وابسته به این گروه از واردات است.
- ۳- ریسک افزایش یافته برای تجارت مضر است و سرمایه گذاری را کاهش می دهد و در بلندمدت طرف عرضه را نیز همچون تقاضا با مشکل روبرو می کند.

#### نفت

امروز قیمت نفت بسیار بالاتر از زمان قبل از شروع جنگ عراق است. حتی زمانی که کشور وارد جنگ شد مشخص بود که ممکن است جنگ اثراتی بر بازار جهانی نفت داشته باشد. البته در مواردی هم به نظر می رسد این امر خود یکی از دلایل جنگ بوده است. لاری لیندسی گزارش داده بود که بهترین روش برای مقابله با نوسانات قیمت نفت یک جنگ کوتاه مدت و موفقیت آمیز با عراق است.

قیمت بالای نفت منافع و مزایایی را با خود به بار آورده است. سود شرکت های نفتی به شدت افزایش یافته است. و این ها گروهی هستند که آشکارا از جنگ عراق منفعت کسب کرده اند. و ما نگران هزینه های اقتصادی ای هستیم که به کشور تحمیل می شود.

بازارهای آتی چشماندازهایی را پیش رو قرار می دهد. قبل از جنگ پیش بینی ها از قیمت نفت در دامنه ۲۰ تا ۳۰ دلار بود. این بازارها با افزایش تقاضا در چین و سایر کشورها مواجه شدند و از سوی دیگر تغییراتی در سمت عرضه ایجاد شد که علت آن جنگ عراق بود.

ما معتقدیم که بهترین تخمین از هزینه جنگ عراق بر قیمت نفت ۲۵ دلار برای هر بشکه است اما ما در رویکرد محافظه کارانه تنها ۲۰ درصد این مقدار یعنی ۵ دلار و در رویکرد میانه رو تنها ۱۰ درصد افزایش قیمت را به ازای هر بشکه نفت در نظر گرفته ایم. هزینه های این افزایش به ترتیب ۱۲۵ و ۳۰۰ میلیارد دلار می باشد که با این افزایش قیمت فقط آمریکایی ها فقیر تر می شوند.

#### نمودار ۴: اثر بر قیمت های نفت

سال	کل واردات نفت خام	کل - واردات - سالانه (میلیارد بشکه)	قیمت - هر - بشکه - نفت (دلار)	کل هزینه واردات نفت (میلیارد دلار)
۲۰۰۰	۱۱۴۵۹.۳	۴.۱۹	۲۷.۷	۱۱۶.۲

۲۰۰۱	۱۱۸۷۱.۳	۴.۳۴	۲۲.۰	۹۵.۳
۲۰۰۲	۱۱۵۳۰.۲	۴.۲۲	۲۳.۷	۹۹.۸
۲۰۰۳	۱۲۲۶۴.۴	۴.۴۹	۲۷.۷	۱۲۴.۰
۲۰۰۴	۱۳۱۴۵.۱	۴.۸۱	۳۵.۹	۱۷۲.۷
۲۰۰۵	۱۳۴۱۵.۵	۴.۹۱	۴۷.۹	۲۳۴.۷
۲۰۰۶	۱۳۹۵۲.۱	۵.۱۱	۵۷.۴	۲۹۲.۳
۲۰۰۷	۱۴۵۱۰.۲	۵.۳۱	۶۵.۰	۳۴۴.۳

### درآمد جهانی و اثرات قیمتی

ارزش درآمد ملی علاوه بر قیمت نفت تحت تاثیر قیمت کالاهای صادراتی و وارداتی کشور نیز می باشد و این تاثیرات به طور غیر مستقیم در افزایش قیمت نفت خود را نشان می دهد. برای مثال اگر افزایش در قیمت نفت منجر به کاهش قیمت کالاهای دیگر شود (به دلیل رکود جهانی) بنابراین وضعیت امریکا بهتر می شود. کالاهای زیادی وجود دارد که ایالات متحده صادر کننده آنهاست و در بازار آنها قدرت دارد: در آن مورد شرکت ها به دنبال حداکثر سود هستند. یک شوک نفتی درآمد خریداران کالاهای صادراتی امریکا را کاهش می دهد و به عبارتی منحنی تقاضا را به سمت بالا و چپ منتقل می کند. اگر بازارها رقابتی بودند ایان اثر ناچیز بود اما در شرایط اقتصاد مدرن یعنی زمانی که **mark-up** ها زیاد هستند زیان های درآمدی می تواند بسیار زیاد باشد.

نمودار ۵: اثرات اقتصاد کلان (میلیارد دلار).

اثرات	محافظه کارانه	میان رو
<b>افزایش قیمت نفت</b>		
اثر انتقال ( طرف عرضه)	۱۲۵	۳۰۰
تقاضای کل	۶۲	۱۵۰
تعادل عمومی جهانی		۱۵۰
<b>اثرات بودجه ای</b>		
مخارج سوئیچینگ		۲۰۰
اثرات رشد		۲۵۰
<b>کل</b>	<b>۱۸۷</b>	<b>۱۰۵۰</b>

نمودار ۶: کل هزینه های اقتصادی جنگ عراق (میلیارد دلار)

سناریو	محافظه کارانه	میان رو
هزینه های مستقیم	۸۳۹	۱۱۸۹
اقتصاد کلان	۱۸۷	۱۰۵۰
	۱۰۲۶	۲۲۳۹

فهرست هزینه های حذف شده (که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته اند).

### هزینه ای دفاعی و تخریبی

- ۱- هزینه های برنامه ریزی جنگ
- ۲- کل هزینه های کشورهای دیگر شامل عراق
- هزینه های نظامی

<sup>۱</sup> . متوسط نه ماهه اول سال ۲۰۰۵. کل هزینه واردات برای یک دوره ۱۲ ماه با استفاده از یک دوره ۹ ماهه.

<sup>۲</sup> . ارزیابی رشد ۴ درصد در سالهای ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷.

- تخریب دارایی ها
- زیان زندگی
- ۳- کل هزینه های افزایش ناامنی
- افزایش هزینه های جریانات مرزی
- کاهش سرمایه گذاری
- ۴- نتایج زیان اعتباری
- ۵- ارزش ظرفیت کاهش یافته پاسخ به تهدیدهای امنیت ملی سرتاسر دنیا
- ارزش ظرفیت کاهش یافته برای پاسخویی به مشکلات داخلی مانند نیواورلئان

### هزینه های اقتصادکلان

- ۱- کل هزینه های ناامنی افزایش یافته
  - هزینه های صعودی جریانات مرزی
  - کاهش سرمایه گذاری
- ۲- اثرات غیر مستقیم تقاضای کل ( به عنوان نتیجه کاهش درآمدهای شرکای تجاری)
- ۳- کل هزینه های نوسان قیمت نفت
  - شامل سرمایه گذاری
  - هزینه های ورشکستگی
- ۴- کاهش تقاضا در نتیجه افزایش احساسات ضد امریکایی
- ۵- نتایج تخریب ارزش دارایی ها
  - بازارهای سهام
  - خانه سازی
- ۶- سیاست های پولی انقباضی در نتیجه افزایش تورم
- ۷- بدتر شدن وضعیت مالی
  - در نتیجه افزایش مخارج دولتی برای نفت
  - در نتیجه افزایش مخارج دولتی برای جنگ.